

## [۴] تحلیل و ارزیابی حضرتعالی از انتخابات ۱۱ اسفند چیست؟

انتخابات ۱۱ اسفندماه در بعد بین المللی بازاریاندگی داشت و نتوانست برخی تهدیدات جدی را برطرف کند. روتن برگمن در کتاب «نبرد مخفی علیه ایران» مدام بر این مساله تاکید کرده که ایران یک تهدید جدی است و باید غرب را به میدان جنگ مستقیم با ایران بکشیم. زیربافون ورود غرب به این صحنه، قادر به تقابل جدی نخواهیم بود؛ به همین سبب خوشبختانه در انتخابات این دوره، سران کشورهای غربی که گاهی وقت ها دچار تردید می شوند و این اطلاعات به آنها می رسد که حاکمیت در ایران پایگاه خودش را از دست داده و ضعیف شده است، متوجه شدند که چنین نیست و اطلاعات صهیونیست ها در این خصوص غلط است. از همین رو مشارکت قابل قبول مردم در انتخابات این دوره تأثیر شایسته و خوبی در رفع این تهدیدات داشت و طبیعتا غرب وارد بازی صهیونیست ها نخواهد شد، چون می دانند که انقلاب اسلامی از یک پایگاه قوی برخوردار است و حمله بیرونی به ثبات این پایگاه قدرتمند کمک می کند.

بدون شک بسیاری از کسانی که حتی رأی ندادند هم دل بسته مپهن شان هستند و به استقلال کشور اهمیت می دهند؛ بنابراین انتخابات یک بازاریاندگی جدی در بعد بین المللی داشت اما در بعد داخلی یک سری نگرانی های جدی را آشکار کرد که از مدت ها پیش به واسطه تحقیق و پژوهش مشاهده شده بود و مربوط به بحث سهل طلبی در حذف رقیب می شد. واقعیت امر این است که ما در ارتباط با انتقال قدرت به نسل جوان دچار مشکل و نوعی طغیانگری شدیم. در انتخابات های گذشته رهبری به برخی کاندیداها پیشنهاد دادند که نیروهای جوان تر را در صحنه بیاورید تا بتوانیم جوان گرایی را با یک منطق و پیوستگی دنبال کنیم اما این اتفاق رخ نداد و دعوایی بین دو نسل شکل گرفت و دامنه اش وارد جامعه شد و امروز ما شاهد عواقب آن هستیم. مسأله دیگری که می خواهیم به آن اشاره کنیم این است که این سهل طلبی در حوزه سیاسی است که تقریبا قبل از اوایل انقلاب وجود داشت و رقیبا با انجام برخی اقدامات تخریبی، دست به انجام کارهای سطحی در حوزه سیاست می زدند؛ اما مسأله ای که ما امروزه دچار آن هستیم، سهل طلبی در حوزه فرهنگی است که عواقب بسیار خطرناکی دارد. زیرا اگر جامعه را به لحاظ ظرفیت فکری تنزل دهیم، باعث افول سطح فکری جامعه در عرصه های سیاسی - اجتماعی می شویم. در انتخابات این دوره شاهد بحث و نزاع بین نسل مسن تر و جوان تر و نوعی سطحی گرایی در مسائل فرهنگی بودیم که به تخریب های غیرقابل جبرانی منجر شد. شیوه متعادل این است که هیچ جامعه فقهی سرمایه های انسانی خودش را لجن مال نمی کند؛ شاید انتقال آنها از حوزه سیاست یا فرهنگ به حوزه های اجرایی دیگر امری ضروری باشد تا بدین ترتیب جامعه از حاصل تجربیات شان استفاده کند اما این که این سرمایه های کلان را حذف کنیم، اقدامی غلط است و عجیب تر آن که برخی بدون توجه به الزامات کار فرهنگی و پژوهشی برای این عرصه تصمیم سازی و تصمیم گیری می کنند، در حالی که هیچ مطالعه ای در این زمینه ندارند.

## [۴] آقای دکتر، گزاره نیست که بگوییم در این چند دهه که از

پیروزی انقلاب می گذرد، فرمان دست شما بزرگ تریابی

بود که جریان انقلاب را به دست گرفتید. به

نظران خالهایی که وجود دارد، ناشی از

چست؟ بخشی از اتفاقاتی که می افتد،

دست یخت خود شما بزرگ تریاست؛

غیر از این که نیست.

در اوایل انقلاب که درخصوص

موضوعات فکری بحث می شد

ما قابلیت های خودمان را به

میدان می آوردیم، مثلا اگر بحث با

مارکسیست ها پیش می آمد شهید

بهشتی...آیت...مصابی پزیدی و

سایرین می آمدند و مبانی

مرتبط را به بحث

## امین صبیحی

دبیر جام پلاس

انتخابات ۱۱ اسفند به رغم برنامه های تبلیغی معاندان در بی رغبتی مردم برای حضور در این آوردگاه سیاسی به بهترین شکل برگزار شد و مشارکت ۴۱ درصدی در انتخابات قوه مقننه و مجلس خبرگان رهبری به وضوح نشان داد که مردم بین خود و بداندیشان خط کشیده اند و هرگز در بازی ضدانقلاب نمی افتند؛ اما دلسوزان نظام کاهش مشارکت نسبت به ادوار گذشته را زنگ خطری دانسته و خواستار بررسی علل

می گذاشند، به طوری که در تقابل های فرهنگی، بالاترین سطوح خود را به کار می گرفتیم و همین امر موجب رشد جامعه می شد اما به تدریج دشمن با علم به این که انقلاب اسلامی در بستر رشد فکری شکل گرفته و در حال گسترش است در همان ماه های اول با اتکا به ترور کاری کرد تا انقلاب را از آن توانمندی هایش تهی کند و در همین راستا از طریق گروهک هایی که هدایت شان با آمریکایی ها بود اقدام به ترور فیزیکی شهید بهشتی ها، شهید مطهری ها، شهید مفتاح ها... کرد و فقدان این افراد و تفکرشان، خسران جدی برای ما بود. چون قابلیت های فرهنگی خودمان را از دست دادیم و طبیعتا باید به این مساله توجه می کردیم که ما راهی جز این نداریم و باید مجددا نیروی فکری تربیت کنیم، زیرا انقلابی که با پشتوانه فرهنگ پیشروی کرده بود زمانی که در عرصه قابلیت های فرهنگی تنزل کند قطعا زمینگیر می شود و دشمنان نظام دقیقا به همین خاطر ترور را در دستور کار قرار دادند تا انقلاب اسلامی را دچار رکود کنند. بنابراین باید یک فکری درباره این مطلب می شد.

## [۴] خوب چرا نشد؟

بیشترین دلیل عدم تحقق این مساله را ناشی

از فشارهای بیرونی می بینم. وقتی

تحریم ها آغاز شد و شدت یافت

لاجرم امکانات مالی محدود و

بودجه ها خرج مسائل روزمره

شد تا پاسخگوی نیازهای روز

جامعه باشد و فکر کردیم اگر

به فرهنگ نسیم هم مشکلی

ایجاد نمی شود و تظاهراتی در خیابان صورت

نمی گیرد و در این خصوص با اعتراض و بحران

خاصی مواجه نمی شویم، بنابراین از بودجه

فرهنگی کم کرده و آن را به تأمین نیازهای مردم

روزمره اختصاص دادیم و همین عوامل زمینه

را برای سهل طلبی در حوزه

فرهنگی فراهم کرد

و متولیان این امر

گفتند از کسانی که

فن بیان خوبی

دارند و می توانند

جوانان را

جذب کنند

دعوت



امروز به جایی رسیدیم که آدم های که خودشان منشأ ایجاد فساد هستند، نقش آفرین شده اند! چرا من معتقدم منشأ ایجاد فسادند، زیرا غبارآلود می کنند

می کنیم تا امور این بخش را به عهده بگیرند و نیازی به کار فکری نیست. کافی است آمار بدهیم که این تعداد کار مؤثر فرهنگی را طی این زمان انجام داده ایم.

[۴] فکر می کنم این خطا راهبردی تر بود و صدمات بیشتری را به دنبال داشت.

بله، نتیجه هم این شد که افرادی میدان دار حوزه فرهنگ شدند که اصلا قابلیت حضور و نقش آفرینی در این عرصه را نداشتند. بنابراین مایی که در حوزه و دانشگاه، تنبلی پیشه کرده بودیم، باید در این خصوص جواگو باشیم زیرا مجموعه این عوامل باعث شد که سطح تعاملات یا تقابلات فرهنگی به شدت تنزل یابد و برخی از ساکنان داران فرهنگی که صلاحیت حضور در این جایگاه را نداشتند، دچار این توهم شوند که ما سرمداران فرهنگی جامعه هستیم. زمانی که در «کیهان هوایی» مدیر بودم، افراد وابسته به کنگره آمریکا تندرین انتقادها را به مبانی تفکر امام راحل داشتند و به آن حمله می کردند و ما چند روز کار می کردیم تا پاسخ این تقابل و شبهات را بیان کنیم. البته قصد این نیست که از خودم دفاع کنم. قطعاً ما هم کم کاری هایی در این خصوص داشتیم.

[۴] پرسش من ناظر به فرد نبود و منظورم کلیت موضوع بود.

اما کم کم افرادی وارد این حوزه شدند که مبانی فکری شان متفاوت بود و باعث شد تا در عرصه فکر هر روز تنزل پیدا کنیم و بازتاب این رویکرد را به صورت شفاف، در انتخابات این دوره دریافت کردیم و این شرایط برای جامعه ای که از سابقه فرهنگی قابل دفاعی برخوردار بود، بد است و باید فکری به حالش کنیم. باید ببینیم چند درصد از شرایط امروز ناشی از تنبلی عمدانه نیروهای فکری در حوزه و دانشگاه است و چند درصد به سهل طلبی مراکز فرهنگی ربط دارد.

به شخصه رگه هایی از سهل طلبی را می بینم و جاهایی نیز اقداماتی به صورت عمدانه انجام شده است و همین است که می بینیم دشمنان دیگر افراد صاحب فکر ما را ترور نمی کنند و فعالیت های تخریبی در این حوزه را به آوردن آدم های سطحی برای مرجع سازی و منزوی کردن افراد صاحب نظر در حوزه فرهنگ معطوف کرده اند.

[۴] آقای دکتر با این توصیفی که از عرصه فرهنگ و تغییراتی که در آن صورت گرفته است داشتید، فکر می کنم با توجه به شکل گیری برخی

لیست های انتخاباتی، منظور شما را فهمیدم. آیا لیدر این جریانات اقبالی هم از سوی مردم دارند؟ وقتی در انتخابات مرجعیت فکری تنزل پیدا

## برش

اصل این موضوع که یک سری افراد با تفکرات خاص لیست بدهند، نگران کننده است. حالا امکان دارد در کل کشور ۵۰۰۰ نفر به این فهرست اقبال نشان دهند یا ۱۰ هزار نفر! واقعیت این است که رقمش خیلی برای من موضوعیت ندارد و این که یک فردی که ما چیزی غیر از سر هم بندی کردن مسائل از او ندیده ایم، وارد این کارزار می شود در حالی که هیچ دانشی که بتواند مرجعیت فکری داشته باشد، ندارد. به نظر می رسد علت اقبال به این افراد به این دلیل است که در مجامع فکری و نماز جمعه ها شاهد رشد فرهنگی نیستیم و انهمه جمعه باید با مطالعه به بیان مطالبی بپردازند و افراد جامعه از آن تغذیه فکری کنند. این خلا را در کانون هایی که موظف به تقویت ابعاد فکری جامعه هستند و باید به توانمندی مخاطبان کمک کنند هم می بینیم و آنها نیز حرکت چشمگیری را در این خصوص انجام نداده اند چون آن مسئولان نیز مطالعه نمی کنند. فرض بگیریم زمانی شما اطمینان خاطر دارید که جامعه روز به روز از طریق افرادی که اهل فکر هستند و تولید فکر و اندیشه می کنند، تغذیه می شوند و جای نگرانی وجود ندارد که فردی، خودش را در جایگاه مرجعیت فکری قرار دهد زیرا احاد جامعه می توانند تشخیص دهند.

## عباس سلیمی نمین در گفت و گو با «جام پلاس» از انتخابات مجلس می گوید:

## مجلس قوی فقط در آرامش شکل می گیرد

متوهم در سیاست و تنزل گفتمان های سیاسی هشدار داده و نسبت به حذف چهره های شاخص که سابقه فعالیت سیاسی در سمت های مختلف دارند، ابراز نگرانی کرد.

نسخه مطبوعاتی این گفت و گو در ادامه از نظراتان می گذرد. شما مخاطبان عزیز می توانید متن و فیلم کامل این گفت و گو را از طریق سایت و حساب های جام جم در فضای مجازی مشاهده کنید.

می کند آدم هایی میدان دار می شوند که بهتر می توانند شعار بدهند و حرف هایی بزنند که شور یک سری جوان را تحریک و آنها را دعوت به ابراز احساسات و مشارکت کند.

[۴] در انتخابات اسمال شاهد شگفتی هایی بودیم. از جمله آرایی که برخی افراد کسب کردند و برخی از چهره ها نظیر آقایان نوبخت، باهنر و آملی لاریجانی که از حضور در خانه ملت و مجلس خبرگان رهبری بازماندند. تحلیل جنابعالی از این اتفاقات و علل تغییر در رأی دهی مردم چیست؟

دلایل مختلفی در این زمینه نقش داشتند؛ به عنوان مثال یاسی بر پایگاه های اصلاح طلبان حاکم شد و آنها نتوانستند از این یاس عبور و پایگاه های رای شان را فعال کنند.

[۴] یعنی در واقع به خاطر عملکرد دولت آقای روحانی و لیست تکرار بود؟

این مسأله باید از ابعاد مختلف ریشه یابی شود اما محرز بود که اختلافاتی را میان خودشان دارند و نتوانستند به جمع بندی برسند و از لیست اصلاح طلبی که ارائه شده بود حمایت کنند و نتیجه این شد که یک سری آدم های میانی آمدند و به لیست اصلاح طلبان رأی دادند؛ اما اختلاف جدی بین کسانی که به میدان آمدند، رأی دادند و دیگران را تشویق به رأی دادن کردند، با کسانی که به دنبال تحریم انتخابات بودند، وجود داشت و این در سردرگمی نقش جدی در پایگاه رای شان داشت و نیازمند تحلیل است. بحث دعوی کاذبی که بین جوان و مسن ایجاد شده، هم نیازمند بررسی است. بعضی از منابع غربی و طرفداران آنها در داخل کشور بحث های غیرواقعی مبنی بر این که انتخابات ایران، فرمایشی و هدایت شده است را مطرح می کردند و بعد از انتشار نتایج انتخابات، گفتند دیدید که مردم از رهبری فاصله گرفتند و به خوشاوند رهبری رأی ندادند. مسأله جالب توجه این است که پرداختن به این موضوع از یکی از رسانه های فارسی زبانه که غربی ها راه انداختند آغاز و در محافل داخلی اصلاح طلبان تکرار شد و آنها نیز موصدا با خارج نشین ها گفتند که مردم پیام خودشان را به این صورت اعلام کردند و به این تناقضات دامن زدند؛ اما آنچه به نظر من بسیار بسیار تلخ است و در این مقطع هم رخ داد، این است که اجازه دادیم تا سرمایه های کشور به راحتی له شوند. البته این روند از مدت ها قبل و از دولت آقای احمدی نژاد شروع شده است و به نوعی میدان خالی می شود تا من ترک تا میدان باشم و به این ترتیب آدم ها را...

## [۴] حذف کنم.

حذف نه، له کنم آن هم یک جوری که مردم نتوانند دیگر حرف او را بشنوند و روند تخریبی تک تک عناصر از آنجا شروع شد؛ زدن آقای حداد عادل از آنجا شروع شد، چرا؟ چون آقای حداد عادل جرات کرده بود نامه ای به رهبری بنویسد و اعلام کند که آقای احمدی نژاد مصوبات مجلس را اجرا نمی کند و رهبری هم حق رو به آقای حداد عادل دادند و بعد از این قضیه، آقای احمدی نژاد مصمم شدند که ایشان را له کنند. بنابراین با رئیس بعدی مجلس وارد معامله شد تا آقای حداد را بزنند و دیگری را بر سر کار بیاورند. منتها این کار روز به روز بدتر می شود. ببینید در ابتدای گفت و گو شما توضیح دادید کار در اختیار شما بوده و مقصرت، من در پاسخ گفتم این مقدار از اشتباهاتم را در این قضیه را می پذیرم و بقیه را قبول نمی کنم و در این خصوص بحث کردیم. به نظر من انتقاد کردن به نیروهایی که قبل از شما در عرصه مسائل فرهنگی بودند، کار درستی است که با بررسی انجام شده بگویید که اینجا کم کاری کردید. ما هم توضیح می دهیم و قضاوت را به مردم می سپاریم اما آنچه امروز در کشور شاهد هستیم این نیست که انتقادی بشود و به مردم بگویند که فلان فرد این نقاط قوت و این ضعف ها را دارد یا این که این ضعف ها ناشی از فلان مسأله است. لجن مال کردن و انتقاد کردن، زمین تا آسمان فرق دارند. نباید یک سرمایه ملی را به بیانه های نظیر این که پسرش می خواسته فلان جا برود، له کنیم. به نظر این اقدامات فاجعه است، زیرا نیروهای انسانی یکروزه به دست نمی آید ۵۰-۶۰ سال طول کشیده و سرمایه برده است تا وی به این جایگاه برسد اما یک روزه می توان او را لجن مال کرد. اما امروز به جایی رسیدیم که آدم هایی که خودشان منشأ ایجاد فساد هستند، نقش آفرین شده اند! چرا من معتقدم منشأ ایجاد فسادند، زیرا افراد فضا را غبارآلود می کنند.